

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی

۱۹ اگست ۲۰۱۱

«مذهب» و داستان «ظهور امام زمان»؟!

(بخش سیزدهم)

قرآن و زن

محمد، از همان دورانی که در غار حراء به فکر خدا و قرآن و پیامبری افتاد، اهداف خود را برای برپائی یک جامعه بدوی اسلامی، مرحله به مرحله طرح کرد که بعدها فتواها و اظهارنظرهای او به صورت قرآن جمع‌آوری شدند، در واقع مانیفست حکومت اسلامی محمد محسوب می‌شوند که به نام قرآن و کتاب «مقدس آسمانی»، نسل به نسل توسط روحانیون و حکومت‌ها منتقل شده است. هیچ کس نمی‌داند که قرآن و نقل قول و احادیث ۱۴۰۰ سال پیش، چه قدر واقعیت داشته و چه قدر هم بعدها بنا به مصلحت «اسلام» به آن‌ها افزوده شده و یا کم و زیاد شده است. هم چنان که امروز برخی از آخوندهای به اصطلاح «نواندیش» و یا «روشنفکران مذهبی» طرفدار حکومت اسلامی و یا منتقد برخی زیاده روی‌های جناح حاکم این حکومت، تفسیرهای لیبرال تری از برخی آیات قرآن و روایات صدر اسلام ارائه می‌دهند که هم عامه‌پسند باشند و هم سیاست‌ها و تعبیر ضدانسانی و خشونت بار اسلام را کمی ملایم تر کنند. در حالی که احکام قرآن (قانون اساسی و دیگر قوانین اسلامی حکومت محمد)، قوانین «الهی» و «مقدس»، تغییرناپذیر و ابدی هستند.

در نزد تفکر اسلامی، از صدر اسلام تاکنون، زن در جامعه و خانواده جایگاهی نابرابر دارد به طوری که به زن، به عنوان «کشتزار» مرد نگریسته می‌شود. تفکر اسلامی، زن را نیمه انسان می‌داند که در کنار مرد هویت پیدا می‌کند و در نتیجه از نظر عاطفی، حقوقی، اجتماعی و غیره با او رفتاری متفاوت تر از مرد می‌شود. این استنباط از زن و جایگاه او به عنوان شهروند و عضو خانواده، تابع دین، قرآن، سنت، آداب و رسوم، باورها و غیره است که عموماً تفکر ارتجاعی مردسالاری را رشد و گسترش می‌دهد. جوامع بشری این تفکرات و باورها را از صدر اسلام به ارث برده اند. در دوارن جاهلیت بشر در شبه جزیره عربستان، جنگ، غنیمت و بازرگانی سه اصل

مهم بودند که فرماندهی و هدایت آن‌ها با مردان بود. زن جایگاه چندانی در این سه زمینه نداشت. از این رو، در اسلام، حتی خواهر باید ارث کم‌تری از برادر ببرد.

در زیر نگاهی به برخی دیگر از آیت‌های قرآن می‌اندازیم که در حقیقت محمد آن‌ها را به مرور زمان، به ویژه در برخورد با زنان بی‌شمار خود، آن‌ها را صادر کرده است.

سوره بقره آیت ۲۳: زنان شما کشتزار شمایند. هر زمان و به هر طریق که خواستید به کشتزار خود نزدیک شوید. سوره نساء آیت ۳۴: مردان را بر زنان حق تسلط و نگرهبانی است. به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته است. و هم به واسطه آن که مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند. پس زنان شایسته و مطیع آن‌ها ایند که در غیبت حافظ حقوق شوهرانشان باشند. و آنچه را خدا به حفظ آن امر فرموده نگه دارند. و زنانی که از مخالفت آنان بی‌مناکید، ابتداء آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آن‌ها دوری کنید. باز مطیع نشدند به زدن آن‌ها را تنبیه کنید. چنان چه اطاعت کردند دیگر هیچ‌گونه ستم بر آن‌ها روا ندارید. همانا خدا بزرگوار و عظیم‌الشأن است.

سوره نساء آیت ۱۵: زنانی که عمل ناشایست انجام دهند ۴ شاهد مسلمان بر آن‌ها بخواهید. چنانچه شهادت دادند آن‌ها را در خانه نگه دارید تا زمان مرگشان فرا رسد.

سوره نساء آیت ۱۶: اگر در میان شما دو زن مبادرت به عمل زشتی کردند. هر دو را مجازات کنید. اگر توبه کردند آن‌ها را به حال خود واگذارید.

همانطور که می‌بینید هرگونه خلاف جنسی زن و عدم فرمانبری مطلق او از شوهرش، حتا مجازات مرگ نیز به دنبال دارد. اما در مورد مرد، نه تنها چنین تهدیداتی در قرآن نیامده است، بلکه بر عکس دست مرد برای هر کار غیرانسانی نیز باز گذاشته شده است.

در آیات زیر «خداوند»، به محمد طرز رفتار با زنانش را می‌آموزد. زنان محمد را از زنان دیگر جدا می‌کند و به طور ویژه درباره آنان حکم صادر می‌کند، در حالی که سایر مسلمانان و مؤمنان از آن‌ها محروم هستند. خداوند، به آن‌ها توصیه می‌کند که اگر مرتکب گناه شوند، در دنیای اخروی مجازاتشان دو برابر زنان عادی و اگر از پیغمبر اطاعت کنند، پاداششان دو برابر زنان دیگر خواهد بود. آیات زیر حاکی است که زنان پیغمبر برای رستگاری در دنیای اخروی باید مطیع و فرمانبردار محمد باشند و تمام وقت خود را صرف نیازهای او نمایند.

در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب، چنین آمده است: «ای پیغمبر به زنان خود بگو اگر شما طالب زینت و زیور زندگی دنیا هستید، بیایید تا من مهر شما را پرداخته و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم. و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق زندگی آخرت هستید، همانا خدا به نیکوکاران از شما زنان، پاداشی عظیم عطا خواهد کرد. ای زنان پیغمبر، هرکدام از شما که دانسته کار ناروایی مرتکب شود، او را دوبرابر دیگران عذاب کنند و این بر خدا آسان است. و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود، پاداشش دوبرابر عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو مهیا سازیم. ای زنان پیغمبر، شما مانند سایر زنان نیستید. شما باید از خدا بترسید. پس با مردان به نرمی و نازکی صحبت نکنید و نماز به پا دارید و زکوة مال به فقیران بدهید و خدا و رسول را اطاعت کنید.»

در آیات ۵۰ تا ۵۳ سوره احزاب، خداوند عالم به امور جنسی و زناشوئی پیغمبر پرداخته و حتی برای نوبت هم- خوابگی محمد با زنانش، قواعدی را وضع می‌کند. آیات شماره ۵۰ و ۵۲ سوره احزاب و آیت ۵۱ سوره احزاب، به شرح زیر است:

«تو ای رسول، در همبستر شدن با زن‌های خود لازم نیست نوبت را مراعات کنی. هر يك از زنان را میل داری، نوبتش را عقب ببنداز و هر يك از آنها را از خود راندى، باز می‌توانی او را نزد خود بخوانی. این موضوع باعث شادمانی دل و روشنی دیده آن‌ها خواهد شد و هرگز هیچ‌يك از آنها نباید از آنچه تو میل می‌کنی، ناراضی و محزون باشند، بلکه همه باید به آنچه که تو به آنها عطا می‌کنی، خشنود باشند...»

حاصل بحث آن ست که بر طبق آیات مذکور سوره احزاب، حقوق محمد درباره زنان از سایر مؤمنان وسیعتر است و وی به عنوان پیامبر خدا بر طبق آیات قرآن و فرمان خدا مجاز شده است از هرگونه مزایای استثنائی استفاده کند: «۱- بیش‌تر از ۴ زن عقدی می‌تواند داشته باشد. (آیت ۵۰ سوره احزاب)

۲- محمد می‌تواند با خویشاوندانش که با وی مهاجرت کردند، ازدواج کند. (آیت ۵۰ سوره احزاب)

۳- محمد می‌تواند هر زن مؤمنه‌ای که خود را بدون مهریه و شهود به او عرضه کند به عنوان همسر بپذیرد. (آیت ۵۰ سوره احزاب)

۴- از رعایت عدالت و شناختن حق تساوی برای زنان خود معاف است. (آیت ۵۱ سوره احزاب)

۵- نوبت هم‌خواهگی با زنانش را به هر نحوی که صلاح بداند می‌تواند تنظیم و یا مقدم و مؤخر سازد. (آیت ۵۱ سوره احزاب)

۶- در زن‌بارگی نسبت به سایر مؤمنان برتری خواهد داشت. (آیت ۶ سوره احزاب)

۷- پس از مرگ وی، کسی حق ازدواج با زنانش را ندارد. (آیت ۵۳ سوره احزاب)

۸- زنان وی حق تقاضای نفقه بیش‌تر ندارند. (آیت ۵۱ سوره احزاب)

۹- زنان محمد نباید بر مردم ظاهر شوند و از پشت پرده باید با مردم صحبت کنند. (آیت ۵۳ سوره احزاب)

۱۰- زنان محمد از زینت‌های متداول دوران جاهلیت باید خودداری کنند. (آیت ۳۳ سوره احزاب)

۱۱- از نوبتی که محمد برای همبستر شدن با آنها قائل می‌شود، باید راضی باشند. (آیت ۵۱ سوره احزاب)

۱۲- زنان پیغمبر در صورت ارتکاب اعمال ناشایست دو برابر زنان عادی مجازات و در صورت اقدام به عمل شایسته، دو برابر پاداش داده می‌شوند. (آیت ۳۰ سوره احزاب)

در آیات دیگری خداوند عالم، در قرآن به مسلمانان آموزش چگونه سخن گفتن و معاشرت کردن با پیغمبر و با همسران او را می‌دهد.

در آیات ۱ تا ۵ سوره حجرات، آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر خدا و رسول تقدم مجوئید و از خدا بترسید که خداوند شنوا و داناست... صدایتان را از صدای پیغمبر بلندتر نکنید و با او بلند صحبت نکنید، هم چنان‌که با یکدیگر بلند صحبت می‌کنید تا اعمال نیکتان باطل نشود و شما آن را نفهمید. کسانی که در حضور پیغمبر آرام صحبت می‌کنند، خدا در واقع قلوبشان را برای تقوا آزموده است و آمرزش و پاداش عظیم نصیب آن‌ها کرده است. آن‌هایی که ترا از پشت خانه‌ات به صدای بلند می‌خوانند، اغلب افراد بی‌شعور و بی‌عقل هستند؛ و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا خودت از خانه خارج شوی، برایشان بهتر بود و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

آیت ۶۲ سوره نور: «مؤمنان حقیقی آن‌هایی هستند که به خدا و رسولش ایمان کامل دارند و هرگاه در کاری که حضورشان نزد رسول لازم باشد، با او جمع شوند؛ تا اجازه نگیرند، از محضر رسول بیرون نمی‌روند؛ و ای پیغمبر آنان که از تو اجازه می‌گیرند، در واقع اهل ایمان به خدا و رسول هستند، پس چون از تو اجازه خواهند که بعضی مشاغل و امور خود را انجام دهند، به هرکس که میل داری اجازه بده و برای آن‌ها از خدا طلب آمرزش کن که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

آیت ۶۳ سوره نور: «هنگامی که می‌خواهید پیغمبر را صدا بزنید، او را مانند موقعی که یکدیگر را بین خودتان می‌خوانید، صدا نزنید...»

در آیت ۵۳ سوره احزاب، خداوند چگونگی ورود به منزل محمد و غذا خوردن سر سفره او و همچنین آداب صحبت کردن با زنان پیغمبر را به مردم می‌آموزد و ازدواج با زنان پیغمبر را پس از مرگ او قدغن می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه پیغمبر داخل نشوید مگر او اجازه دهد و بر سفره طعامش دعوت کند. در آن حال نیز نباید زودتر از وقت آمده و به ظروف غذا چشم انتظار گشائید، بلکه موقعی که دعوت شده‌اید بیایید و موقعی که غذا تناول کردید، زود پی کار خود بروید نه این‌که آن‌جا برای سرگرمی و صحبت باقی بمانید که این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او از شرم به شما چیزی نمی‌گوید، ولی خدا از اظهار واقعیت به شما شرم ندارد. و هرگاه از زنان رسول متاعی می‌طلبید، از پس پرده طلب کنید که حجاب برای پاکیزه نگهداشتن دل‌های شما و آن‌ها بهتر است و هرگز رسول خدا را نیازارید و پس از وفات او هیچ‌گاه با همسرانش ازدواج نکنید که این کار گناهی بزرگ است.» اگر به مضمون و محتوای قرآن بدون تعصب و از زاویه انسانی نگریسته شود، تقریباً تمامی معارف و مفاهیمی که محمد، به نام وحی از سوی «خداوند» مطرح کرده است، همه مربوط به سنت‌ها و باورها و معارف همان جامعه‌ای است که محمد در آن زندگی می‌کرد. یعنی به عبارتی تفکر محمد در آفریدن خدا و قرآن و وحی و غیره همان احکام و فتواهانی است که خودش صادر کرده است، محصول همان جامعه است. برای مثال بسیاری از مفاهیم همچون، قصاص، دیه، ختنه، ماه‌های حرام و ... مسایلی هستند که اعراب قبل از خدا و اسلام محمد هم آن‌ها را آداب و سنن خود می‌دانستند و یا این که این مفاهیم از یهودیان توسط خود محمد، کپی‌برداری شده بود، به همین دلیل، دین اسلام به یهودیت خیلی بیشتر شباهت دارد تا مسیحیت. تمام داستان‌های قرآن، شباهت زیادی به کتاب‌های یهودیان دارد. حتی محمد، در بعضی جاها مثل سوره «کهف» در قرآن اظهار می‌دارد تعداد اصحاب کهف معلوم نیست، بعضی‌ها می‌گویند ۵ نفر بوده‌اند، بعضی‌ها می‌گویند ۷ نفر بوده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که محمد این داستان‌ها را از کسانی شنیده بود. تحقیقات نشان داده است که سبک نگارش قرآن بسیار شبیه به آثار دینی دارد که در زمان محمد وجود داشته‌اند، بنابراین محمد، مسایلی که در قالب آیت آورده و پس از مرگ او در قرآن جمع‌آوری شده‌اند، چیز دیگری غیر از سنت‌ها و باورهای آن دوره مردم بدوی شبه جزیره عربستان نبوده است. محمد و جمع‌آوری‌کنندگان قرآن پس از او، آن‌ها را از سایر کتاب‌ها گرفته‌اند.

بنابراین، بینش و اطلاعاتی که محمد در دوران خود و در سفرهای تجاری یاد گرفته بود، در قرآن انعکاس یافته است. اما بسیاری از حرف‌هایی که در قرآن راجع به طبیعت زده می‌شود مستقیماً از آثار یهودی برگرفته است. بدین سان، قرآن یک کتاب قدیمی همانند همه کتاب‌های قدیمی است و سبک نگارش آن نیز مربوط به دوران خودش می‌باشد. در همه کتاب‌های قدیمی گاهی مفاهیمی وجود دارد که به نوعی می‌توان از آن مفاهیم برداشت علمی کرد. برای مثال، در این زمینه می‌توان به افکار «اپیکروس»، فیلسوف یونانی اشاره کرد که چهار قرن قبل از میلاد مسیح (تقریباً ۱۰۰۰ سال قبل از محمد) می‌زیسته است. بعدها فیلسوف و شاعری به نام لوکرتیئوس رومی که یک قرن پس از اپیکروس زندگی می‌کرده است، افکار مربوط به طبیعت و فیزیک اپیکروس را از آثار یونانی جمع‌آوری و به زبان لاتین به شعری طولانی سروده است که امروزه با نام «اندر طبیعت اشیاء» موجود است.

این کتاب که انعکاس مستقیم عقاید اپیکروس و دیدگاه او نسبت به طبیعت و به عبارتی کتاب فیزیک اپیکروس است و بدین منظور نوشته شده است، واقعیت‌های فیزیکی را معرفی کند. این کتاب، دارای مفاهیم بسیاری است که

امروزه پایه های علوم به شمار می‌روند، به عنوان نمونه، لوکرتیوس در اشعارش به مفاهیمی اینچنین اشاره می‌کند:

وجود اتم و مولکول (این که ترکیب دو اتم ماده جدیدی را تولید می‌کند) قانون اینرسی (این که اشیاء در حال حرکت تا وقتی نیروئی بر آن‌ها وارد نشود در حال حرکت هستند - تا زمان گالیله کشف نشده بود) مسأله قانون جهان‌شمول - (این که تمام قوانین فیزیکی که روی زمین هستند، در تمام نقاط کائنات نیز صادق هستند - این تئوری توسط ارسطو رد شده بود و کلیسای مسیحیت به شدت با آن مخالفت می‌کرد تا این که گالیله اعتراض کرد و بعدها نیوتون آن را اثبات کرد) چرخه باران (این که باران ساخته شده از آبی است که از دریاها و دریاچه‌ها به دلیل حرارت ناشی از نور خورشید بخار می‌شود و در جریان هوا و ابرها ذخیره می‌شود و وقتی که ابرها حرارت می‌بینند یا اشباع می‌شوند این آب‌های اندوخته شروع به بارش می‌کنند) و مطالب بسیار دیگری از جمله پیش‌بینی تئوری نسبیت به این طریق که حرکت چیزبست نسبی و زمان بدون وجود روابط میان اشیاء و اتفاقات به یکدیگر مفهومی ندارد، بنابراین زمان نیز منسوب به مشاهده کننده است.

قبل از به قدرت رسیدن محمد، هر قبیله برای خودش واحد اقتصادی، سیاسی، نظامی و مذهبی مستقلی داشت. همه این قبایل دشمن هم بودند. زیرا در شبه جزیره خشک و بد آب و هوا، قبایل مجبور بودند برای دستیابی به زندگی بهتر، یعنی به مناطقی که آب و علف دارد، کوچ کنند. این جا به جایی‌ها، یکی از مهم ترین عوامل جنگ و کشتار و غارت بین قبایل مختلف بود. بنابراین، همه همدیگر را تهدید می‌کردند و در کمین غارت اموال همدیگر می‌نشستند.

هم چنین هر قبیله برای خودش «بیتی» برای پرستش داشت. همه اعراب بت‌ها و یا اشیای واحدی را نمی‌پرستیدند. سیصد و شصت بت وجود داشت از جمله لات، منات، عزا و... که همه آن‌ها در خانه کعبه و در پرستشگاه بودند. در چنین شرایطی، زندگی هر قبیله وابسته به جنگ و دفاع بود. به دست آوردن غنایم حمله به کاروان‌ها، اهمیت خاصی داشت. زنان و کودکان نیز بخشی از این غنایم بودند که فاتحان آن‌ها را نیز هم چون اشیای دیگر، بین خود تقسیم می‌کردند.

اما محمد و یارانش، از دوران جاهلیت بشر بهره جست و خدائی را ساخت که حرف خود را از زبان آن، برای نفوذ بیشتر بر مردم و وادار کردن آن‌ها به اطاعت از خود و اهداف و سیاست‌های جاری ساخت. از این‌رو، در تدوین بعضی از احکام و مطالب قرآن، «خدا»، به تناقض‌گویی می‌افتد. یا در نقش یک عامل کارگزار در قرآن ظاهر می‌شود که حتا درباره زندگی خصوصی محمد و آداب و رفتار هم‌خوابگی او با زانش و رفتار مردم با او، امر و نهی می‌کند.

محمد، سعی کرده است در تمامی آیات و مطالب قرآن را به عنوان کتاب مقدس آسمانی و کلام خدا، مافوق ذهنیت بشر جلوه دهد و به پیروان خود بقبولاند. او، برای رسیدن به اهداف خود، پایه‌های جهالتی را بنیان گذاشت که هنوز هم بشر به طور کامل از شر آن فارغ نشده است.

زنان محمد

نقش زنان در زندگی محمد، جز خدیجه، سکس و کنیزی و فرمانبری بیش نبوده است. عایشه، در میان زنان محمد، منحصر به فرد بود. محمد او را در سن ۷ سالگی به عقد خود در آورد. هنگامی که عایشه، ۹ ساله بود با او همبستر شد. سن محمد در آن هنگام، ۵۵ سال بود. عایشه، کودک و محمد پدر بزرگ او بود تا شوهرش. روایت کرده‌اند که

عایشه عروسك بازی را همانند همه بچه‌ها، بیشتر دوست داشت. او همزمان همسر و کودک بود، محمد دوستان هم سن و سال او را دعوت می‌کرد تا با او بازی کنند. عایشه سفید رو و زیبا بود و محمد گاهی او را «حمیر» یعنی قرمزی و گاهی بور صدا می‌کرد.

محمد، زنان زیادی را به عقد خود درآورد. او، در مجموع با بیش از یکصد زن قصد ازدواج کرده بود. اسامی تعدادی از آنان به شرح زیر است:

۱- خدیجه دختر خویلد بن اسبن عبدالعزی: محمد، در ۲۵ سالگی با خدیجه ۴۰ ساله ازدواج کرد. خدیجه پیش از محمد با دو شخص دیگری نیز ازدواج کرده بود که هر دوی آن‌ها درگذشته بودند و از آن‌ها فرزندان به سن خود محمد داشت. او در طول ۲۸ سال زندگی مشترکش با محمد، اولین زنی بود که به پیامبری او ایمان آورد، احتمالاً ناشی از سنت مردسالاری و تبعیت زن از مرد بود. محمد در واقع با ثروت خدیجه به جهان تجارت وارد شد و به جاهای مختلف سفر کرد. محمد ۱۷ سال پیش از بعثت و ۱۱ سال پس از آن با خدیجه زندگی کرد. هنگامی که خدیجه فوت کرد محمد ۵۳ سال داشت.

خدیجه، زنی قدرتمند و ثروتمند بود. محمد، پس از ازدواج با خدیجه، از چوپانی و فلاکت رهایی پیدا کرد و همراه کاروان‌های تجاری خدیجه به سیر و سفر پرداخت. محمد تا زمانی که خدیجه زنده بود، جسارت ازدواج با زن دیگری را نداشت، زیرا احتمال داشت از ثروت و امکانات او محروم شود.

۲- عایشه دختر ابوبکر صدیق: محمد، هنگامی که عایشه بیش از ۷ سال نداشت به عقد خود درآورد، در حالی که خودش پنجاه و سه ساله داشت. ابوبکر، پدر عایشه، نزدیکترین دوست محمد بود. محمد، در نه سالگی با عایشه همبستر شد.

عایشه، دخترکی باریک اندام و زیبا بود و دوره کودکی را می‌گذراند. آن طور که در کتب تاریخی آمده است، عایشه دختر زیبا، حسود، حساس و گستاخ بود. عایشه تنها دختری بود که به خانه محمد آمد. دیگران همه زنان «بیوه»ای بودند که محمد به دلایل مختلف آن‌ها را به همسری خود درآورده بود. عایشه غیر از زیبایی و جوانی باهوش و خوش سخن هم بود.

علاقه محمد به عایشه، به حدی بود که وقتی زینب عایشه را محکوم به زنا با صفوان کرد، محمد از طرف «خدا» آیاتی آورد تا عایشه را برائت دهد. اما شیعیان، به دلیل آن که عایشه، با علی به جنگ برخاست، وی را لعن و نفرین می‌کنند و او را زنی فاسد می‌دانند.

ماجرای افک: در غزوه بنی‌المصلق که عایشه با محمد همراه بود، در بازگشت برای قضای حاجت از کجاوه بیرون رفت. بعد از آمدن متوجه شد که گردنبندش در حین قضای حاجت افتاده است. از کجاوه بیرون آمد و به دنبال گردنبند رفت. سپاهیان به خیال آنکه عایشه در کجاوه است، آن را بلند کردند و راه افتادند. همین که عایشه برگشت کاروان را ندید. از کاروان جا مانده بود. روی خودش پارچه‌ای کشید و همان‌جا خوابید. در قدیم مردی پشت سر کاروان حرکت می‌کرد تا اگر وسیله‌ای از کاروانیان در بین راه افتاده بود بردارد و به آنها در آخر راه تحویل دهد. در این سفر صفوان بن معطل سلمی، این وظیفه را بر عهده داشت. همین که عایشه را دید گفت انا الله و انا علیه راجعون! عایشه به جا ماندنش را تعریف کرد. صفوان هم عایشه را بر شتر سوار کرد و به مدینه برد. هنگامی که به مدینه رسیدند عایشه مستقیم به خانه خودش رفت. منافقان به سرپرستی عبدالله ابن ابی شروع به سخن‌چینی کردند و عایشه را متهم کردند. سخن دهان به دهان رسید تا رسول خدا متوجه گشت. رفتارش نسبت به عایشه سرد گشت. خود عایشه هم خبر نداشت. محمد هم بسیار ناراحت بود. علی به او گفت: «ناراحت نباش ای رسول خدا. زن زیاد

است. می‌توانی به جای او زن دیگری بگیری. از کنیزش بپرس. (همین اظهار نظر علی بود که عایشه از او کینه به دل گرفت و این کینه و عقده در جمل سر باز کرد.)» از کنیز پرسیدند که قاعدۀ او هم خبر نداشت. سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان محمد به خانه عایشه رفت و از او خواست حقیقت را بگوید و اگر کار خطائی کرده بگوید و از خدا طلب بخشش کند. عایشه همچنان به گریه افتاده بود که صدایش در نمی‌آمد. در این لحظات، آیت‌های ۱۱ و ۲۰-۱۷ سوره نور مبنی بر حکم لزوم ۴ شاهد برای اثبات زنا و ۸۰ ضربه شلاق برای آن که تهمت زده است نازل شد و این ماجرا پایان پذیرفت. (زندگانی محمد، دکتر محمد حسنین هیکل. ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات سوره مهر)

۳- سوده دختر زعمه بن قیس: سوده، «بیوه زن» مسلمانی بود اهل حبشه که پدرش او را به محمد داده بود و محمد قبل از آوردن عایشه به خانه او را به خانه آورده بود. گفته شده است که سوده ۵۰ ساله بود. از عایشه، روایت شده است که سوده گاهی از نوبت خود می‌گذشت تا محمد شب را پیش عایشه بگذراند.

۴- هند(ام سلمه)، دختر امیه بن المغیره: وی، زن یکی از مسلمانان به نام «ابوسلمه بن ابوالاسد» بود که در جنگ احد زخمی و کشته شده بود. ام سلمه، در هنگام ازدواج با محمد ۲۹ ساله و محمد ۵۳ ساله بود.

۵- حفصه دختر عمر بن الخطاب: او، در سن ۱۸ سالگی شوهر خود را از دست داده بود. حفصه، در ۲۰ سالگی با محمد ۵۵ ساله ازدواج کرد.

۶- زینب دختر جحش: زینب از خانواده بزرگی بود. مادر زینب دختر عبدالمطلب پدر بزرگ محمد بود. زینب با زید فرزند خوانده محمد ازدواج کرده بود. محمد روزی بدون اطلاع قبلی به خانه زید وارد شد و زینب را نیمه لخت دید و به او علاقه‌مند شد. محمد، نخست مهریه او را پرداخت تا از فرزندخوانده خود طلاق گیرد و سپس او را به عقد خودش درآورد.

۷- جویریة دختر حارث بن ابوضرار: محمد در سن ۵۸ سالگی با جویریة که ۲۰ سال سن داشت ازدواج کرد. جویریة دختر رئیس قبیله بنی المصطلق، یکی از قبایل یهودی بود که محمد به آن‌ها حمله کرده بود. محمد، جویریة، را به عقد خود درآورد و اسرای قبیله او را آزاد کرد. جویریة ۶ سال زن محمد بود. بعد از محمد نیز ۳۹ سال زندگی کرد و در سن ۶۵ سالگی درگذشت.

۸- ام حبیبه دختر ابوسفیان بن الحرب: ام حبیبه، در هنگام ازدواج با محمد ۲۹ سال سن داشت و محمد ۵۴ سال.

۹- صفیه دختر حئی بن اخطب: صفیه، در هنگام ازدواج با محمد ۱۶ سال و محمد ۶۰ سال داشت. صفیه دختر حئی بن اخطب رئیس قبیله بنی نضیر، از قبایل یهودی مدینه بود که محمد به آن حمله کرد و آن‌ها را مجبور کرد از مدینه خارج شوند. شوهر قبلی او کنان بن ربیع بود که توسط مسلمانان در جنگ اسیر شده بود، در نهایت به دستور پیامبر کشته شد و پیامبر همان شب با صفیه ازدواج و با وی همبستر شد. او ۴ سال با محمد زندگی کرد و بعد از مرگ محمد، ۳۹ سال بیوه بود و در سن ۶۰ سالگی درگذشت.

۱۰- میمونه دختر حارث الهالیه: او در زمان ازدواج با محمد ۳۶ سال و محمد ۶۰ سال داشت. میمونه، خواهر ناتنی زن دیگر محمد بود. او، ۳ سال با محمد زندگی کرد؛ ۴۴ سال تنها زندگی کرد و در سن ۸۰ سالگی فوت کرد.

۱۱- فاطمه دختر سریق

۱۲- هند دختر یزید

۱۳- عصما دختر سیاء

۱۴- زینب دختر یزید

- ۱۵- هبله دختر قیس و خواهر اشعث
- ۱۶- عصما دختر نعمان
- ۱۷- فاطمه دختر صحاک
- ۱۸- ماریه دختر شمعون قیسی: ماریه، کنیز، حفصه بود که به عنوان هدیه به او داده شده بود. روزی محمد، به خانه حفصه دختر عمر رفت و ماریه را تنها در خانه دید و با ماریه همبستر شد. ناگهان حفصه، سر رسید و از مشاهده این قضیه بسیار خشمگین شد. محمد، به او قول داد که ماریه را بر خود حرام کند، به شرطی که حفصه ماجرا را برای کسی تعریف نکند، اما حفصه ماجرا را برای عایشه و بقیه زنان محمد تعریف کرد. محمد از الله کمک گرفت تا این ماجرا را با سوره تحریم فیصله دهد. (تاریخ طبری جلد ۸، ص ۶۶۱۳۱ و تاریخ طبری جلد ۳۹، ص ۱۹۴)
- ۱۹- ریحانه دختر زید قرظی: ریحانه، از اسرای بنی قریظه بود که سهم محمد از غنائم جنگی بود. ریحانه هرگز حاضر نشد اسلام بیاورد و حتی پیشنهاد محمد مبنی بر ازدواج با وی را نیز قبول نکرد. از طرفی محمد نیز قصد رها کردن این کنیز (برده زن) زیبا را نداشت و وی تا آخر عمر برده ماند، اما حاضر نشد مسلمان شود و یا با محمد ازدواج کند. (تاریخ طبری جلد ۳۹، ص ۱۶۴-۱۶۵)
- ۲۰- ام شریک دوسیه
- ۲۱- صنعا یا سبا دختر سلیم: صنعا، قبل از آنکه محمد با او همبستر شود، فوت کرد.
- ۲۲- قضیه دختر جابر از بنی کلاب: روایاتی حاکی از آن است که محمد با وی ازدواج کرد اما وقتی برای همبستر شدن به او نزدیک شد، دریافت که او بسیار پیر است، بنابراین وی را طلاق داد. (تاریخ طبری جلد ۹، ص ۱۳۹)
- ۲۳- زینب دختر خزیمه از بنی عامر بن صعصعه: زینب، بعد از کشته شدن شوهرش «عبیده» در جنگ بدر، پذیرفت تا با محمد ازدواج کند، اما ۸ ماه بعد از این ازدواج، از دنیا رفت.
- ۲۴- دختر خلیفه الکلبی
- ۲۵- عالیه دختر طیبیان از بنی بکرین: محمد با وی ازدواج کرد، اما بعد از مدتی او را طلاق داد.
- ۲۶- قوتیله بنت قیس بن معدی کرب و خواهر اشعث بن قیس، پیامبر او را به زنی کرد اما هنوز او را ندیده بود که مرد. برخی نیز گفته اند محمد او را طلاق داد.
- ۲۷- خوله بنت الهذیل
- ۲۸- لیلی بنت الخطیم
- ۲۹- ام هانی دختر ابوطالب ۳۰
- ۳۰- ضباعه دختر عامر بن قرظ
- ۳۱- صفیه دختر بشامه
- ۳۲- ام حبیبه دختر عباس بن عبدالمطلب
- ۳۳- جمره دختر حارث بن ابی حارثه
- ۳۴- محمد زنی که نامی از وی برده نشده است را طلاق داد. زیرا وی به مردانی که از مسجد خارج می‌شدند زیر چشمی نگاه می‌کرد. (تاریخ طبری جلد ۳۹، ص ۱۸۷)
- ۳۵- محمد زنی را به دلیل این که وی جذام داشت طلاق داد. (تاریخ طبری جلد ۳۹، ص ۱۸۷)
- ۳۶- ملانکه دختر کعب: او با محمد ازدواج کرد، اما محمد پس از مدت کوتاهی وی را طلاق داد.

۳۶- شنباء دختر عمر الغفریه: مردم قبیله او با قبیله بنی قریظه هم پیمان بودند، وقتی ابراهیم، فرزند محمد مرد؛ وی به محمد گفت: اگر تو پیامبر راستینی می‌بودی فرزندت نمی‌مرد. محمد بعد از این که با او همبستر شد وی را طلاق داد. (تاریخ طبری جلد ۹، ص ۱۳۶)

۳۸- ملائکه دختر داوود: محمد با او ازدواج کرد. اما پس از این که ملائکه فهمید محمد پدرش را کشته است، از وی جدا شد. (تاریخ طبری جلد، ۳۹ ص ۱۶۵)

۳۹- عمره دختر یزید: محمد وی را طلاق داد زیرا وی به جذام مبتلا شده بود.

۴۰- سناء بنت سفیان: محمد مدت کوتاهی با او ازدواج کرد.

۴۱- عمره: محمد با او ازدواج کرده بود.

۴۳- دختر الجهال: مدت کوتاهی با محمد ازدواج کرد.

۴۳- دوبه دختر امیر

۴۴- عماره یا عماره دختر حمزه

۴۵- شینیا دختر سالت

۴۶- تکانه: نام زنی دیگر است که مجلسی در مورد وی نوشته است دختر سیاهپوستی بود که «مقدوس» پادشاه مصر همچون ماریه قبطیه به محمد هدیه داده بود. محمد ابتداء او را آزاد کرد و سپس وی را به عقد ازدواج خود درآورد. بعد از درگذشت محمد، عباس با او ازدواج کرد. (مجلسی، حیات القلوب یا زندگی حضرت محمد، جلد دوم، ص ۵۹۷)

شیخ کلینی نویسنده معروف اسلامی و نویسنده کتاب‌های اصول و فروع کافی در مورد محمد، از امام رضا نقل کرده است که قدرت جماع پیامبر با چهل مرد برابر بود. (مجلسی، حیات القلوب یا زندگی حضرت محمد، جلد دوم، ص ۵۹۹)

محمد، در اغلب موارد تقریباً دو تا سه برابر همسرانش سن داشته است. بعد از مرگ محمد هیچ‌کدام از زنانش اجازه ازدواج با شخص دیگری نداشتند و آنان را ام‌المومنین نامیدند، و همگی مجبور بودند تا آخر عمر بیوه بمانند. اما ننی چند از آنان، از جمله تکانه، ازدواج کرد.

قبل از اسلام محمد، تعدد زوجات بود و اسلام نیز بر آن تأکید کرده است: «چهار تا زن بگیرد» و بی‌نهایت صیغه. محمد آیتی در اواخر سال ۸ هجرت نازل کرد، یعنی پس از آن که محمد تمام زنانش را گرفته بود و تعداد زنانش را که تا آن موقع حدی نداشت، ۴ نفر تعیین کرد. بنابراین داشتن «حرمسرا»، از محمد به ارث مانده است.

بدین ترتیب محمد، در حدود ۵۵ سالگی با کودک ۹ ساله همبستر شد و به جسم این کودک تجاوز کرد، بنابراین به جای این که این عمل شنیع محمد «پدوفیل» محسوب شود و کسی که ده‌ها هزار انسان را به دلیل داشتن باورهای دیگر قتل‌عام کرده است، به عنوان یک جانی و متجاوز محکوم شود، تنها کشیدن کاریکاتورهای از او، این همه هیاهو و جنجال راه انداخته می‌شود؟! بی‌جهت نیست که همین امروز نیز در کشورهایمانند ایران، با اتکاء به قوانین اسلامی، به کودکان دختر با اتکاء به سنت محمد و قوانین اسلامی تجاوز می‌کنند؛ صیغه اسلامی که همان فحشاء است را تبلیغ و توسعه می‌دهند؛ به دختران زندانی قبل از اعدام تجاوز می‌کنند، چرا که در تفکر اسلامی، دختر باکره اعدام شده به بهشت می‌رود؛ به اساس قوانین اسلامی دست و پا می‌برند و چشم درمی‌آورند؛ زنان را به طور سیستماتیک سرکوب می‌کنند؛ دست به قتل‌عام زندانیان سیاسی می‌زنند؛ مخالفین سیاسی خود را ترور می‌کنند...، بنابراین جنایاتی که ما به ویژه در عربستان سعودی و ایران شاهد هستیم، ادامه راه ۱۴۰۰ سال پیش محمد،

با اتکاء به تکنیک و ابزارهای مدرن امروز علیه بشریت است. واقعیت این است که نه خدائی در کار است و نه بهشت و جهنمی، آنچه که واقعیت است سوءاستفاده کلیساها و مساجد و دولت‌ها در خرافات نگاه داشتن توده‌های مردم است. محمد، عیسی، موسی، خمینی، موسولینی، هیتلر، پولپوت، بن‌لادن، ملاعمر، خامنه‌ای و...، تفاوتی چندانی در ترویج و تبلیغ جهل و خرافات ملی و مذهبی، جنگ و کشتار، شکنجه و اعدام، سنگسار و قصاص و غیره با هم ندارند، تنها تفاوتشان به لحاظ تاریخی در به کارگیری قدرت، حرص و ولع ثروت‌اندوزی و دست‌رازی به سفره خالی کارگران و محرومان، ابزارهای تبلیغی و شکنجه و اعدام و اعمال ستم و استعمار است. در کلیه مذاهب، تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از روابط و مناسبات طبقاتی، امری الهی تلقی می‌شود و در جامعه رسوخ پیدا می‌کند. اساس و مبنای هر مذهبی، فرمانبرداری و اطاعت کورکورانه و بدون چون و چرا از «خداوند» و دستورات او و نمایندگانش چون پیامبران و امامان و روحانیون است. مذهب هیچ‌گونه روابط و مناسبات دمکراتیک، سکولار و برابر بین انسان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه این حق خداوند و نمایندگان او بر زمین، یعنی پاپ و کشیش‌ها و آیت‌الله‌ها است و مردم موظف هستند بدون کوچکترین سؤال و اعتراضی از آن‌ها تبعیت کنند. بدین ترتیب، ابتدائی‌ترین حقوق انسان‌ها در افکار و حاکمیت مذهبی زیر پا گذاشته می‌شود. اعتراض به آن‌ها به مثابه اعتراض به خداوند، پیامبران و قرآن، حتا خطر مرگ در بر دارد. مذهب عامل تبعیض و تفرقه و دشمنی بین انسان‌هاست.

در اسلام زن و مرد حقوق برابر ندارند. مذهب از پیروان خود می‌خواهد که با مذاهب دیگر دشمنی کنند. بنابراین مذهب انسان‌ها را بر حسب اعتقاد مذهبی و جنسیتی تقسیم‌بندی می‌کند و به تفرقه و دشمنی بین انسان‌ها دامن می‌زند. دشمنی دیروزی مسیحیت با نوآوری و کشتار روشنفکران و متفکرین توسط کلیسا و دشمنی امروزی شیخ‌های عربستان و ایران و...، با فرهنگ و تمدن مدرن، مخالفت با آزادی‌های فردی و اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه، نمونه‌هایی از مقاومت و خصومت مذهب با پیشرفت‌های علمی و اجتماعی است.